

پژوهشنامهٔ بختیاری‌شناسی و اقوام ایران
دوره ۴، شماره ۲ - شماره پیاپی ۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۴ صص ۱۶-۵

امکان‌سنجی و محدودیت‌های فنی تولید ماشینی چوقای بختیاری با حفظ اصالت

مجید طهرانی*

**مجید اسدی فارسانی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۳/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۵/۱۸

چکیده

چوقا، به عنوان یکی از مهم‌ترین پوشاک سنتی قوم بختیاری، دارای جایگاهی ویژه در میراث فرهنگی و صنایع‌دستی ایران است. این پوشش پشمی با بافتی خاص و طرح‌های راه‌راه متمایز، علاوه بر کارکرد حفاظتی، نماد هویت و اصالت ایل بختیاری محسوب می‌شود. این پوشاک به طور سنتی با نخ پشم دست‌ریس، رنگرزی طبیعی و بافت دستی بر روی دارهای افقی یا عمودی تولید می‌شود که ویژگی‌های فنی و زیبایی‌شناختی منحصر به فردی به آن می‌بخشد. در دهه‌های اخیر، تغییرات اجتماعی و افزایش تقاضا، ایده تولید صنعتی این منسوج را مطرح کرده است؛ اما بازتولید آن با ماشین‌های بافندگی صنعتی با محدودیت‌های قابل توجهی در حوزه نخ، تراکم، رنگ، طرح، ابعاد و حس لمسی مواجه است. این پژوهش با هدف بررسی امکان‌سنجی تولید صنعتی چوقا، به تحلیل ویژگی‌های ساختاری، چالش‌های فنی، موانع فرهنگی و ظرفیت‌های بهبود کیفیت در فرآیند ماشین‌بافی پرداخته است. این پژوهش به روش تحلیلی - توصیفی و بر پایه داده‌های میدانی/ مصاحبه با بافندگان و بررسی نمونه‌های موجود انجام گرفته است. مقایسه شاخص‌های نمونه‌های دست‌بافت و ماشینی نشان می‌دهد که تولید ماشینی چوقا در صورت به کارگیری نخ‌های سفارشی با تاب ناهمگن و حفظ بخشی از لانولین، رنگرزی نیمه‌صنعتی با

* دانشیار گروه فرش دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. mtehrani@sku.ac.ir

** استادیار گروه ارتباط تصویری دانشکده هنر و علوم انسانی فارسان. شهرکرد، ایران.

majid.asadi@sku.ac.ir

رنگزاهای طبیعی، استفاده از ماشین‌های مجهز به سیستم پودگذاری چندرنگ و کاهش سرعت تولید، می‌تواند به محصولی نزدیک به نمونه دست‌بافت منجر شود. همچنین راهکارهای فرهنگی همچون مستندسازی و آموزش تکنیک‌های سنتی و ایجاد برجسب‌های اصالت برای نمونه‌های ماشینی می‌تواند باعث حفظ اصالت و افزایش پذیرش این محصول در بازار شود.

کلید واژگان: چوقا، ایل بختیاری، بافت سنتی، ماشین‌بافی، دست‌بافته پشمی.

۱. مقدمه

چوقا یکی از شاخص‌ترین پوشاک سنتی قوم بختیاری است که سابقه‌ای چند صد ساله در زندگی عشایر و روستاییان این منطقه دارد. این بالاپوش بدون آستین، با طرح‌های راه‌راه سفید و مشکی یا کرم و مشکی، نه تنها به عنوان پوششی گرم و مقاوم در برابر شرایط سخت کوهستانی عمل می‌کند، بلکه بخشی از هویت فرهنگی و اجتماعی ایل بختیاری به شمار می‌رود (یاوری، ۱۳۹۲، احمدی آنزان، ۱۳۸۸، اسدی فارسانی، ۱۳۹۹، عرفانی، ۱۳۸۶). بافت چوقا به صورت سنتی بر روی دارهای دستی و با استفاده از نخ پشم دست‌ریس انجام می‌گیرد که ویژگی‌های فنی و زیبایی‌شناختی منحصر به فردی به آن می‌بخشد (احمدی آنزان، ۱۳۸۸، افروغ، ۱۳۹۸، کجیاف، ۱۳۹۲).

پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه چوقا بر روی دو موضوع شامل مطالعات مردم‌شناسی و فرهنگی و تحقیقات فنی در حوزه نساجی و بافت متمرکز شده‌اند. در حوزه مردم‌شناسی، یاوری (۱۳۹۲)، احمدی آنزان (۱۳۸۸) و اسدی (۱۳۹۹) به معرفی جامع لباس‌های سنتی بختیاری پرداخته و چوقا را به عنوان یک نماد هویت فرهنگی توصیف کرده‌اند. این منابع به تاریخچه استفاده از چوقا، ساختار اجتماعی مرتبط با آن و جایگاهش در مراسم آیینی و روزمره پرداخته‌اند. در حوزه فنی، یاوری (۱۳۹۲)، احمدی (۱۳۸۸) و جهان‌شاهی افشار (۱۳۸۰) به بررسی ساختار بافت، تراکم تار و پود، نوع نخ پشمی دست‌ریس و روش‌های رنگرزی گیاهی پرداخته‌اند. این مطالعات نشان

می‌دهد که ویژگی‌های فنی چوقا حاصل ترکیب مواد اولیه خاص، تکنیک بافت سنتی و مهارت بافندگان محلی است.

در سال‌های اخیر، تغییر سبک زندگی، مهاجرت، کاهش تعداد بافندگان ماهر و افزایش تقاضای بازار، منجر به تلاش‌هایی برای بازتولید منسوجات سنتی با استفاده از ماشین‌های بافندگی صنعتی شده است (خرشادیزاده، ۱۴۰۰، افروغ، ۱۴۰۱، کیانی اجگردی، ۱۴۰۰، قدمگاهی، ۱۳۹۹). مطالعات انجام شده اطلاعات فنی ارزشمندی درباره فرآیندهای رنگرزی طبیعی پشم، بافت پارچه‌های سنتی پشمی با ماشین‌های بافندگی صنعتی و تأثیر آن‌ها بر دوام و کیفیت این پارچه‌ها ارائه می‌دهند. این تحقیق‌ها نشان می‌دهند هرچند استفاده از ماشین‌های بافندگی صنعتی می‌تواند سرعت و حجم تولید پارچه‌های سنتی را افزایش دهد، اما چالش اصلی در این فرآیند، حفظ ویژگی‌های ساختاری، اصالت و کیفیت این منسوجات است. تفاوت در نوع نخ، روش بافت، تراکم، ابعاد، رنگ و حتی حس و بافت پارچه، سبب شده که بسیاری از مصرف‌کنندگان، نمونه‌های ماشینی را به اندازه نمونه‌های دست‌بافت ارزشمند ندانند.

بررسی منابع نشان می‌دهد پژوهش مستقلی که به‌طور مستقیم به امکان‌سنجی فنی بافت ماشینی چوقای بختیاری بپردازد، گزارش نشده است و عمده مطالعات مربوط به سایر منسوجات سنتی پشمی بوده است. پرسش اصلی این است که آیا تولید ماشینی چوقا با حفظ ویژگی‌های اصیل ساختاری و زیبایی‌شناختی آن امکان‌پذیر است؟ و در صورت امکان، این فرآیند با چه محدودیت‌ها و الزامات فنی مواجه است؟ این پژوهش با هدف بررسی جامع محدودیت‌ها و چالش‌های تولید صنعتی چوقا، ابتدا به معرفی ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی این پوشاک پرداخته شده است، سپس ساختار فنی و مواد اولیه آن مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه امکان‌سنجی تولید این منسوج با ماشین‌های صنعتی بافندگی بررسی شده است. همچنین، پیشنهادهایی برای بهبود کیفیت تولید ماشینی چوقا و حفظ اصالت آن ارائه شده است.

۲- تولید صنعتی چوقا

۲-۱- ویژگی‌های ساختاری و فنی چوقا

چوقای بختیاری، به‌عنوان یکی از پوشاک شاخص قوم بختیاری، یک جامه پشمی بدون آستین با طرح‌های راه‌راه عمودی است که به شیوه سنتی بر روی دارهای افقی یا عمودی بافته می‌شود (شکل ۱). این پوشاک از پشم گوسفندان بختیاری، عمدتاً نژادهای محلی با قطر الیاف متوسط تا ضخیم (۲۴ تا ۳۰ میکرون)، تهیه می‌گردد. نخ‌ها به‌صورت دستی مطابق شکل ۱ ریسیده شده و معمولاً چربی طبیعی پشم در آن حفظ می‌شود. ساختار بافت چوقا به‌طور معمول از نوع دو بافت ساده یا جناغی بوده و انتخاب آن به منطقه جغرافیایی و مهارت استادکار وابسته است. تراکم تار در این بافت‌ها عموماً بین ۱۸ تا ۲۲ تار در هر سانتی‌متر و تراکم پود بین ۱۴ تا ۱۸ پود در هر سانتی‌متر متغیر است. طرح‌های راه‌راه متمایز این پوشاک از طریق تغییر رنگ نخ پود و در برخی موارد با تغییر ضخامت نخ ایجاد می‌شود (یاوری، ۱۳۹۲).



شکل ۱: نمایی از چوقا بر تن مردان بختیاری و پشم ریزی دستی توسط زن بختیاری

رنگرزی نخ‌های به کار برده شده در چوقا غالباً با استفاده از رنگ‌رهای طبیعی همچون روناس، پوست گردو، پوست انار، نیل و اسپرک انجام می‌گیرد که ضمن ایجاد فام‌های اصیل و سنتی، موجب افزایش ثبات شستشویی، نوری و حرارتی پارچه می‌شوند (جهانشاهی افشار، ۱۳۸۰). ابعاد استاندارد چوقا معمولاً شامل قطعاتی به طول ۲ تا ۲/۵ متر و عرض ۶۰ تا ۷۰ سانتی‌متر است که پس از بافت، مطابق شکل ۲ دو قطعه به یکدیگر دوخته می‌شوند تا شکل نهایی پوشاک حاصل شود.

از منظر عملکردی، چوقا دارای مقاومت بالایی در برابر سرما و باد بوده و با وجود تولید گرمای مطلوب، وزنی نسبتاً سبک دارد. همچنین، به دلیل تراکم و نوع بافت، این پوشاک از پایداری ابعادی بالایی برخوردار است که مانع از تغییر شکل آن در طول زمان استفاده می‌شود.



شکل ۲: پارچه چوقای بافته شده و چوقای دوخته شده

۲-۲- محدودیت‌های فنی تولید ماشینی چوقا

تولید ماشینی چوقا با مجموعه‌ای از محدودیت‌های فنی و کیفی روبه‌رو است که بر شباهت محصول نهایی به نمونه دست‌بافت تأثیر مستقیم دارد. یکی از مهم‌ترین این محدودیت‌ها به نخ و مواد اولیه بازمی‌گردد. نخ‌های صنعتی معمولاً دارای تاب یکنواخت و استاندارد هستند، در حالی که نخ‌های دست‌ریس سنتی از ناهمگونی و

تاب متغیر برخوردارند. این ناهمگونی باعث ایجاد بافتی زنده، پر روح و زیردست منحصر به فرد در پارچه می‌شود، لذا برای تولید این نخ‌ها با ماشین، نیاز به دستگاه‌های ریسندگی خاص می‌باشد. علاوه بر این، در نخ‌های دست‌ریس بخش قابل توجهی از چربی طبیعی پشم یا همان لانولین حفظ می‌شود. لانولین نه تنها نرمی و لطافت پارچه را افزایش می‌دهد بلکه به عنوان یک لایه محافظ طبیعی، مقاومت آن را در برابر نفوذ رطوبت و آلودگی بیشتر می‌کند (Abou Taleb, ۲۰۲۱). در مقابل، در تولید نخ‌های صنعتی طی فرایند شست‌وشوی، اغلب این چربی را از دست می‌دهند و در نتیجه حس و عملکرد متفاوتی ایجاد می‌کنند.

تراکم و ضخامت بافت نیز از دیگر عوامل کلیدی است. تراکم تار و پود باید به گونه‌ای انتخاب شود که حس، ضخامت و ایستایی چوقای سنتی را ایجاد کند. ماشین‌های بافندگی صنعتی برای دستیابی به بهره‌وری بالا و یکنواختی محصول، معمولاً با تراکم ثابت و بدون تغییرات جزئی عمل می‌کنند. در حالی که در بافت چوقای دستی، تغییرات اندک در تراکم تار و پود به طور طبیعی رخ می‌دهد و همین تغییرات ریز باعث ایجاد حس بصری و لمسی خاص در پارچه می‌شود. همچنین بازتولید ضخامت و وزن قابل توجه چوقای سنتی در ماشین‌بافی نیازمند کاهش سرعت تولید و استفاده از نخ‌های ضخیم‌تر است که با اهداف بهره‌وری صنعتی سازگار نیست.

در حوزه طرح و رنگ، چالش‌های قابل توجهی وجود دارد. رنگ‌های گیاهی که در تولید سنتی به کار می‌روند، دارای طیف فام غنی و عمق رنگی منحصر به فردی هستند، اما پیاده‌سازی آن‌ها در مقیاس صنعتی به دلیل مسائل مربوط به ثبات رنگی، یکنواختی و کنترل دقیق فرآیند، بسیار دشوار است. علاوه بر این، تولید طرح راه‌راه چوقا در ماشین‌بافی نیازمند استفاده از سیستم‌های پودگذاری چندرنگ یا تغییر مکرر نخ است تا الگوی راه‌راه به صورت دقیق و بدون انحراف در ابعاد مشخص ایجاد گردد. استفاده از سیستم‌های پودگذاری چندرنگ در ماشین‌های بافندگی باعث کاهش سرعت بافت و افزایش هزینه در مقیاس صنعتی می‌شود.

ابعاد و ساختار یک تکه نیز از جمله محدودیت‌های اساسی به شمار می‌آید. چوقای سستی اغلب به صورت یک یا دو تکه بافته می‌شود، در حالی که در حالت صنعتی نیاز به دوخت چندین قطعه پارچه برای تکمیل ساختار چوقا می‌باشد. این دوخت‌ها نه تنها ظاهر و پیوستگی بصری چوقا را تغییر می‌دهند، بلکه از دیدگاه زیبایی‌شناسی و فرهنگی نیز باعث کاهش اصالت آن می‌شوند.

در نهایت، مسئله حس و عملکرد پارچه مطرح است. پارچه‌های ماشینی به دلیل یکنواختی بیش از حد در سطح و بافت، فاقد برجستگی‌ها و نامنظمی‌های ظریف هستند که در بافت دستی وجود دارد. این یکنواختی بیش از حد ممکن است منجر به کاهش قابلیت تنفس و حتی تغییر ویژگی‌های عایق‌کاری شود، چراکه تفاوت در تراکم و حجم نخ‌ها در بافت دستی به بهبود ویژگی‌های حرارتی کمک می‌کند.

۲-۳- چالش‌های فرهنگی و حفظ اصالت

تولید ماشینی چوقا، علاوه بر چالش‌های فنی، با موانع فرهنگی و اجتماعی عمیقی نیز مواجه است. چوقا برای جامعه بختیاری صرفاً یک پوشش پشمی نیست، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از میراث فرهنگی ناملموس این قوم محسوب می‌شود و ارزش آن به طور مستقیم با فرآیند دست‌بافت و مهارت‌های منحصر به فرد بافندگان محلی پیوند خورده است (احمدی آنزان، ۱۳۸۸). بر این اساس جایگزینی محصولات ماشینی به جای نمونه‌های دست‌بافت می‌تواند به مرور زمان منجر به تضعیف مهارت‌های سستی و فراموشی تکنیک‌های بومی شود که طی نسل‌ها به شکل شفاهی و عملی منتقل شده‌اند. از منظر فرهنگی، یکی از مهم‌ترین پیامدهای تولید ماشینی، کاهش ارزش نمادین چوقا است. بسیاری از افراد بختیاری معتقدند که چوقای ماشینی فاقد روح، اصالت و بار معنایی محصول دست‌بافت خواهد بود، چرا که در فرآیند صنعتی، عنصر زمان، تلاش فیزیکی و خلاقیت فردی بافنده حذف می‌شود. این امر موجب می‌شود که پوشاک تولید شده به صورت ماشینی، حتی در صورت شباهت ظاهری، نتواند جایگاه اجتماعی و فرهنگی چوقای دست‌بافت را به دست آورد.

از سوی دیگر تهدید مهارت‌های بومی نیز چالشی اساسی است. گسترش تولید ماشینی ممکن است انگیزه نسل جوان برای یادگیری و تداوم تکنیک‌های سنتی بافت را کاهش دهد. در نتیجه، بافندگان کهنه‌کار به مرور بازنشسته می‌شوند و مهارت‌های تخصصی آنان بدون انتقال به نسل‌های بعد، از بین می‌رود. این روند نه تنها صنعت نساجی سنتی را تهدید می‌کند، بلکه بخشی از هویت فرهنگی اقوام را نیز در معرض خطر قرار می‌دهد.

پدیده همسان‌سازی بصری نیز از دیگر پیامدهای منفی تولید انبوه ماشینی است. در فرآیند صنعتی، طرح‌ها و رنگ‌ها به صورت یکنواخت و با تکرار مداوم تولید می‌شوند، در حالی که نمونه‌های دست‌بافت دارای تنوع طبیعی ناشی از تفاوت‌های فردی در بافت، رنگ‌رزی و انتخاب مواد اولیه هستند. این یکنواختی موجب از بین رفتن جلوه‌های محلی و منطقه‌ای چوقا می‌شود و تنوع بصری که بخشی از زیبایی‌شناسی این پوشاک است، کاهش می‌یابد.

علاوه بر موارد فوق، مقاومت بازار سنتی مانعی جدی برای پذیرش چوقای ماشینی محسوب می‌شود. فروشندگان و مصرف‌کنندگان سنتی، به ویژه در بازارهای محلی، اغلب ترجیح می‌دهند محصولی را عرضه یا استفاده کنند که به لحاظ کیفیت، طرح، بافت و حتی حس لمس، کاملاً مشابه نمونه‌های سنتی باشد. هرگونه انحراف محسوس از این معیارها می‌تواند باعث عدم استقبال از نمونه‌های ماشینی شود و بازار بالقوه آن‌ها را محدود کند.

۲-۴- امکان سنجی بافت ماشینی چوقا و پیشنهادهایی برای بهبود کیفیت آن

بر اساس تحلیل‌های حاصل از منابع فنی و مطالعات مردم‌شناسی، ارتقای کیفیت و افزایش پذیرش چوقای ماشینی در بازار سنتی و معاصر، نیازمند مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ است که هم جنبه‌های فنی تولید و هم ارزش‌های فرهنگی و زیبایی‌شناسی این پوشاک را مدنظر قرار دهد. در فرآیند تولید ماشینی پارچه‌هایی مشابه چوقای بختیاری، هدف اصلی تولید پارچه‌هایی با ساختار، تراکم، طرح و فام دقیقاً مانند

نمونه‌های دست‌باف و سنتی آن است تا ضمن حفظ ویژگی‌های اصیل، نیاز بازار به تولید انبوه نیز برآورده شود.

بر اساس مطالعات پیشین از منظر فنی، امکان تولید ماشینی برخی منسوجات سنتی وجود دارد، اما این امر مستلزم انجام تغییرات در فرآیند تولید برای هر منسوج به صورت جداگانه است (افروغ، ۱۴۰۱). بررسی‌های امکان‌سنجی بافت چوقا به صورت ماشینی نشان می‌دهد که با اعمال تغییرات بر روی دستگاه‌های ریسندگی، رنگریزی و بافندگی می‌توان محصولی نزدیک به چوقای دست‌بافت تولید کرد، اما تولید این منسوج نسبت به سایر پارچه‌ها با سرعت بسیار کمتر و صرف هزینه بالاتر انجام می‌شود.

نتایج مطالعات نشان می‌دهد نخستین گام در این مسیر، تولید نخ‌های سفارشی است، نخ‌هایی که از نظر ویژگی‌های فیزیکی و ظاهری شباهت حداکثری به نخ دست‌ریس داشته باشند. این نخ‌ها باید دارای قطر متغیر، تاب ناهمگن و بافت سطحی طبیعی باشند و بخشی از لانولین موجود در الیاف پشم در آن‌ها حفظ شود تا ضمن ایجاد حس لمس سنتی، مقاومت در برابر رطوبت و دوام پارچه نیز ارتقا یابد. این امر با تغییراتی در سیستم تاب و کشش ماشین‌های ریسندگی امکان پذیر است.

رنگریزی نیمه‌صنعتی با رنگ‌های طبیعی نیز یکی از کلیدی‌ترین راهکارها است. به‌کارگیری رنگ‌های گیاهی نظیر روناس، نیل، پوست گردو، پوست انار، هلیله سیاه و اسپرک، همراه با فناوری‌های نوین تثبیت رنگ، امکان تولید فام‌های اصیل و بهبود ثبات نوری و شستشویی را فراهم می‌آورد. این روش ضمن حفظ اصالت رنگ، مشکلات یکنواختی رنگریزی صنعتی را کاهش می‌دهد.

در مرحله بعد، استفاده از ماشین‌های بافندگی دابی یا ژاکارد مجهز به سیستم پودگذاری دو رنگ و اعمال تنظیمات ویژه در این ماشین‌های بافندگی می‌تواند به شبیه‌سازی دقیق‌تر بافت چوقای سنتی کمک کند. کاهش سرعت ماشین، استفاده از شانه‌ها و دفتین‌هایی با ویژگی‌های نزدیک به ابزار سنتی و تنظیم کشش نخ به گونه‌ای که

تغییرات ظریف در تراکم ایجاد شود، می‌تواند ساختاری برجسته‌تر و پویاتر در پارچه ایجاد کند. در تولید ماشینی پارچه چوقا باید میزان کشش نخ‌های تار زیاد نباشد. نخ‌های پشمی مورد استفاده در چوقا تاب کمی دارند و افزایش کشش نخ‌های تار باعث پاره شدن مدام آنها خواهد شد. همچنین بر اساس منابع فنی سرعت ماشین بافندگی به دلیل استحکام پایین نخ‌های تار و پود باید تا حدود ۲۰ پود در دقیقه کاهش یابد.

از نظر طراحی، تنوع در طرح و اندازه اهمیت ویژه‌ای دارد. تولید چوقا در ابعاد، تراکم و طرح‌های متنوع که برگرفته از الگوهای محلی مناطق مختلف بختیاری باشد، موجب حفظ هویت بصری و تنوع فرهنگی این پوشاک می‌شود. در همین راستا، ایجاد یک برچسب اصالت با عنوان «چوقای ماشینی اصیل» و تدوین استانداردهای مشخص کیفیتی و ظاهری، می‌تواند اعتماد مصرف‌کنندگان سنتی را جلب کند و تمایز این محصولات را از نمونه‌های بی‌کیفیت صنعتی روشن سازد.

همچنین، آموزش و مستندسازی تکنیک‌های سنتی از طریق ضبط، تدوین و آموزش به بافندگان و طراحان صنعتی، سبب انتقال دانش بومی به حوزه تولید ماشینی خواهد شد. این اقدام می‌تواند به طراحان کمک کند تا در فرآیند طراحی و تنظیمات ماشین، روح و ویژگی‌های منحصر به فرد بافت سنتی را حفظ کنند.

در نهایت، در نظر گرفتن موارد فوق می‌تواند محصولی ایجاد کند که از نظر کیفیت، بافت و اصالت بصری به چوقای دست‌بافت بسیار نزدیک باشد، در حالی که هزینه و زمان تولید نیز کاهش می‌یابد. این رویکرد می‌تواند پلی میان سنت و صنعت ایجاد کرده و بقای این میراث ارزشمند را نیز تضمین کند.

۳- نتیجه‌گیری

بررسی حاضر نشان داد که هرچند از منظر فنی، با اعمال تغییرات در فرآیندهای ریسندگی، رنگرزی و بافندگی، امکان تولید ماشینی چوقا وجود دارد، اما بازتولید کامل ویژگی‌های اصیل و هویت فرهنگی این پوشاک، نیازمند رویکردی چندبعدی است. از

جنبه فنی، عدم انطباق کامل نخ‌های صنعتی با نخ‌های دست‌ریس، تفاوت در تراکم و ضخامت پارچه، دشواری در بازآفرینی رنگ‌های گیاهی و محدودیت در ایجاد تنوع طبیعی طرح، موانعی جدی محسوب می‌شوند. از منظر فرهنگی نیز، ارزش نمادین و جایگاه اجتماعی چوقا به فرآیند دستی و مهارت‌های بومی بافندگان وابسته است و جایگزینی آن با نمونه‌های ماشینی می‌تواند به از بین رفتن این دانش سنتی منجر شود. برای دستیابی به توازن میان تولید انبوه و حفظ اصالت، پیشنهاد می‌شود علاوه بر ایجاد زیرساخت‌های فنی نظیر تولید نخ‌های خاص و تنظیمات سفارشی ماشین‌ها، مستندسازی و آموزش تکنیک‌های سنتی به طراحان صنعتی، تدوین استانداردهای کیفیت و ایجاد برچسب اصالت انجام گیرد. چنین رویکردی می‌تواند مسیر پایداری برای احیای اقتصادی چوقا فراهم آورد و همزمان، میراث فرهنگی بختیاری را در برابر فراموشی محافظت کند.

۴- منابع

- احمدی آنزان، ک. (۱۳۸۸) «چوقا: پوشاک سنتی بختیاری». نشریه فرهنگ مردم / ایران، ۱۸، ۲۹-۴۶. (<https://elmmnet.ir/doc/۳۳۱۳۱-۱۸۵۲۲۱۷>)
- اسدی فارسانی، م. آشوری، م.ت. داداشی، ا. (۱۳۹۹) «بازتاب نموده‌های فرهنگی در نظام ساختاری و نقوش پوشاک مردان جامعه عشایری». نگره، ۱۵ (۵۴)، ۹۵-۱۰۹. doi: ۱۰.۲۲۰۷۰/negareh.۲۰۲۰.۱۲۴۱
- افروغ، م. (۱۳۹۸) «زنان بختیاری: آفرینندگان چوقا، نمودی از هنر ایلی و عشایری و نماد». پژوهش در هنر و علوم انسانی، ۱۲ (۳)، ۱-۱۶. (۱۹۳۴۱۱۴-
(<https://elmmnet.ir/doc/۱۲۵۰۱>)
- افروغ، م. (۱۴۰۱) «گبه‌ها: نقاشی‌های بافته شده در عشایر بررسی فرآیند بافت، تحلیل و تطبیق گبه‌های قدیم و جدید با نقاشی مدرن». دوفصلنامه علمی رجشمار، ۱ (۲)، ۱۳۹-۱۵۷. doi: ۱۰.۲۲۰۷۷/rajshomar.۲۰۲۱.۴۴۸۵.۱۰۳۲
- جهانشاهی افشار، و. (۱۳۸۰) فرایند و روش‌های رنگرزی الیاف با مواد طبیعی. تهران: انتشارات دانشگاه هنر.

- خراشادیزاده، ل. (۱۴۰۰) «شناخت و معرفی حرفه‌ی کفاشی سنتی و تولیدات آن در شهرستان بیرجند». دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، ۷(۱۳)، ۳۸۳-۳۴۵.
<https://doi.org/10.22054/qjik.2020.42241.1155>
- عرفانی، ف. (۱۳۸۶) «پیشانی هنر ایرانیان». ماهنامه سفر، ۱۳(۱۶)، ۳۵.
<https://www.magiran.com/paper/471616/>
- کجباف، ع. الهیاری، ف. بختیاری، س. (۱۳۹۲) «نقش و جایگاه زن در ایل بختیاری در دوره قاجار از دیدگاه سیاحان اروپایی (۱۲۱۰ تا ۱۳۴۴ق/۱۷۹۶ تا ۱۹۲۵م)». پژوهش‌های تاریخی، ۵(۴)، ۵۴-۳۹.
[html https://jhr.ui.ac.ir/article16616](https://jhr.ui.ac.ir/article16616)
- کیانی اجگردی، ن. زکریایی کرمانی، ا. معمار، ث. (۱۴۰۰) «تبیین عوامل مؤثر بر اقتصاد دست‌بافته‌های کاربردی عشایر بختیاری در جامعه معاصر». پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۱۰(۲)، ۱۱۱-۱۳۶.
[doi: 10.22059/ijar.2021.270162.459471](https://doi.org/10.22059/ijar.2021.270162.459471)
- قدمگاهی، ن. (۱۳۹۹) نساجی سنتی: بافت، پارچه، طرح، رنگ. انتشارات راهبرد شمال.
- یآوری، ح. (۱۳۹۲). نساجی سنتی ایران. تهران: انتشارات سوره مهر.

- Abou Taleb, M., & El-Sayed, H. (۲۰۲۱). Preparation and characterization of lanolin-based condensate and its utilization as a nonionic softener for wool fabric surface. *Journal of applied research and technology*, ۱۹(۵), ۵۰۸-۵۲۰.